

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید. شماره 19 (پیاپی 16) بهار ۸۵

رمانتیسیم در شعر بدر الشاکر السیاب* (علمی - پژوهشی)

حسن دادخواه

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

محسن حیدری

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

سیاب، شاعر عراقی و پیشرو شعر نو عربی است. در میان شاعران رمانتیک معاصر عربی، وی به دلیل بهره‌گیری ماهرانه از اسطوره و اصول مکتب رمانتیسیم و پردازش نیکو و دلنشین آنها در سروده‌های خود، سرآمد و مشهور گردیده است. در این نوشته، پس از گذری بر زندگی او، اصول و نحوه شکل‌گیری مکتب رمانتیسیم در غرب و زمینه‌های ورود آن به کشورهای عربی، بیان شده است، سپس نشانه‌هایی از مفاهیم رمانتیکی و اسطوره‌ای در شعر سیاب، با آوردن نمونه‌هایی از آن، مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: رمانتیسیم، اسطوره، شعر، سیاب.

نگاهی به زندگانی شخصی و علمی شاعر

سیاب به سال ۱۹۲۶ م. در روستای «جیکور» نزدیک «ابوالخصیب»، منطقه‌ای در جنوب عراق به دنیا آمد. روستایی ساده با خانه‌هایی که از خشت خام و تنه نخل ساخته

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۴/۴/۱۱

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۷/۲۰

شده بود. دورتا دور این روستا را نخلستان و جوی های آب در بر گرفته بود (حیدر توفیق بیضون، ۱۹۹۱، ص ۱۴).

وی در سال ۱۹۳۲ به مدرسه ابتدایی در روستای «باب سلیمان» فرستاده شد و در سال ۱۹۳۶ به مدرسه ابتدایی دیگر به نام «المحمود» در «ابوالخصیب» به ادامه تحصیل پرداخت (همان، ص ۱۳). در سال ۱۹۴۲ به تربیت معلم رفت و در رشته زبان و ادبیات عربی مشغول به تحصیل شد. وی دو سال بعد، این رشته را رها کرد و رشته زبان انگلیسی را برگزید. در سال ۱۹۴۵ به عضویت حزب کمونیست عراق در آمد و هشت سال در آن ماند و چندین بار به دلیل انجام فعالیت سیاسی از شغل خود برکنار گردید. در سال ۱۹۵۳، در پی شرکت در یک تظاهرات به ایران گریخت و پس از دو ماه از ایران به کویت رفت و ۶ ماه بعد در آنجا ماند سپس به بغداد بازگشت و به کار روزنامه نگاری مشغول شد. (ریتا عوض، ۱۹۷۸، ص ۱۴) وی در سال ۱۹۵۵ ازدواج کرد و پس از اشتغال در چند روزنامه بعنوان خبرنگار و مترجم، در سال ۱۹۶۰ به بیروت رفت و مجموعه شعر «باران» را منتشر نمود که برنده جایزه «مجله الشعر» شد (قیس کاظم الجنابی، ۱۹۸۸، ص ۱۱۳).

سیّاب، در این دوره از زندگی، رنج های بسیاری به خود دید و برای درمان بیماری فلج از این بیمارستان به آن بیمارستان برده می شد. او در سال ۱۹۶۴، پس از تحمل یک دوره رنج حاصل از این بیماری، در گذشت.

با وجود آن که آفتاب زندگی سیّاب در میانه راه غروب کرد ولی عمر کوتاه، برای وی فرصتی بود تا اشعار زیبایی را از خود به جای بگذارد که برحسب تاریخ و محل سرودن آنها. به قرار زیر است:

۱- أزهار ذابلة، مصر، ۱۹۴۷.

۲- اساطیر، عراق، ۱۹۵۰.

۳- أنشوه المطر، بیروت، ۱۹۶۰.

۴- المعبد الغریق، بیروت، ۱۹۶۳

۵- منزل الأفتان، بیروت، ۱۹۶۳.

۶- شناسیل ابنة الجلبی، بیروت، ۱۹۶۴.

۷- اقبال، بیروت، ۱۹۶۵.

مجموعه‌هایی که پس از وفات او منتشر گردید شامل سروده‌هایی است که وی در سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴ در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسانده بود. پیش از بررسی برجستگی‌های رمانتیکی در آثار سیاب لازم به نظر می‌رسد تا بر اصول و نحوه شکل‌گیری مکتب رمانتیسم وزمینه‌های ورود آن به شعر عربی معاصر اشاره‌ای گذرا داشته باشیم.

آشنایی با مکتب رمانتیسم

از اواخر قرن هفدهم و نیمه اول قرن هیجدهم میلادی که وضع اجتماعی و افکار عمومی مردم اروپا دستخوش تغییرات شگرفی شد، اروپائیان دریافتند که زبان ادبی مکتب کلاسیک، قالب و اندیشه‌های ادبی و هنری نویسندگان یونان و روم باستان، قادر به انعکاس و انتقال اندیشه‌ها و مکنونات آنان نیست و شیوه کلاسیک که مبتنی بر تقلید از نویسندگان سنتی بود، مانع آزادی فکر و بیان شده است. به همین جهت در پی آن شدند تا در کیفیت احساس و ذوق، سلیقه هنری و شکل تخیل خود تغییراتی را ایجاد نمایند. (فلیپ وان تیژم، ۱۳۷۰ هـ.ش، ص ۵۸، ۵۷)

در پی احساس این نیاز، رفته رفته ادیبان کشورهای انگلستان، آلمان، شمال اروپا و فرانسه با کنار زدن قواعد و اصول سبک کلاسیک ادبی که به تبعیت از خرد، قداست سنت گذشتگان و حقیقت‌نمایی استوار بود، راه نوری را به سوی استفاده از تخیل، احساس‌گرایی و رهایی از قید و بندهای گذشتگان فراروی خود قرار دادند.

واژه رمانتیسیم در قرن هفدهم در انگلستان در مورد تعبیرات شاعرانه به کار می‌رفت. این نام در آغاز به رمان‌های قدیمی و قصه‌های شوالیه‌گری و جوانمردی در پیوند بود. ویژگی‌های این قصه‌ها، داشتن احساسات پرسوزوگداز، غیرواقع‌نمایی، اغراق و خیال‌پردازی بود.

((رمانتیسیم)) در واقع نهضتی فلسفی و ادبی است که در زمینه ادب به رجحان احساس و تخیل به جای استدلال و تعقل تاکید دارد و منادی آزادی مطلق هنرمند از قیود شعری از جمله بندهای عروضی است.

پیدایش این مکتب ادبی، معلول زمینه‌های اجتماعی گوناگونی بوده است که از میان آنها، می‌توان به تبدیل شدن بافت جامعه اروپایی از شکل فئودالی به بورژوازی، پیروزی انقلاب کبیر فرانسه و تاثیر آن بر نویسندگان و سرخوردگی از عقل‌گرایی صرف، یاد نمود. (سیما داد، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴).

اصول مکتب رمانتیسیم

اصول این مکتب را می‌توان در محورهای زیر آورد:

- ۱- استفاده از نماد و اسطوره
 - ۲- احساس‌گرایی و توجه به هیجانات
 - ۳- بازگشت به طبیعت
 - ۴- دعوت به آزادی از سنت ادبی گذشتگان و اصالت دادن به «من» (آفریننده اثر ادبی) در ادبیات و هنر.
 - ۵- بهره‌گیری از نیروی تخیل برای کشف اسرار وجود و بیان حقایق آفرینش.
- (تی. اس. الیوت، ۱۳۷۵، ص ۲۷۴-۲۷۷)

همانگونه که ملاحظه می‌شود. این اصول به‌طوری دقیق در برابر اصول کلاسیسم است. احساس‌گرایی در تقابل با خردگرایی است و تخیل و آزادی از سنت‌های گذشتگان و توجه به رمزپردازی در برابر تقدس‌سنت‌ها و حقیقت‌نمایی قرار دارد. در این میان، استفاده از نیروی خیال و تصویرسازی از اهمیت دوچندانی برخوردار است. تخیل، همان تجزیه و ترکیب صور محسوسات موجود در ذهن است که انسان به کمک آن می‌تواند الگوی جدیدی برای خود بسازد (نورتوپ فرای، ۱۹۶۳ ه.ش، ص ۹)

رمانتیک‌ها با بهره‌گیری از این توان بشری و نفوذ در جهان آن سوی واقعیت، بنیاد تفکر کلاسیک‌ها را که بر عقل و واقعیات تکیه داشت، درهم فرو ریختند.

زمینه‌های ورودی رمانیسم به شعر عربی معاصر

از اوایل قرن بیستم، شاعران معاصر عرب، در حرکتی کاملاً نو، از روشها و سلیقه‌های قدیم در بیان اندیشه و در ارزیابی سخن، خارج شدند و اندک اندک خود را از قیود شعری گذشتگان رها ساختند. زیرا بر این باور بودند که شاعر معاصر باید از ادراک و تصور و احساس خود و نه از ادراک و احساس شاعران دوره‌های پیشین سخن بگوید.

علل و زمینه‌های اجتماعی این رویکرد تازه را می‌توان در نکات زیر خلاصه نمود:

- ۱- رشد آموزش و پرورش جدید در کشورهای عربی
- ۲- رشد جنبش ترجمه آثار ادبی غرب در کشورهای عربی
- ۳- نشر اندیشه‌های سیاسی غرب در میان روشنفکران عرب
- ۴- مهاجرت ادیبان عرب به کشورهای غربی و اقامت دراز مدت در آنجا

(بدوی طبانه، ۱۹۸۵ م. ص ۱۶، ۱۷)

نقشی که شاعران مهاجر عرب در انتشار گرایش رمانتیک داشتند. بسیار مهم است زیرا تاثیر آنان بر شاعران هم دوره خویش، بسیار عمیق و گسترده بود. این افراد، که بعضی برای به دست آوردن روزی و گذران زندگی ویرخی دیگر برای دستیابی به آزادی روانه کشورهای اروپایی و غربی شده بودند، در مدارس مسیحیان پرورش یافته بودند و به همین جهت از نظر فرهنگی نیز به دنیای غرب تعلق خاطر داشتند. ایشان با تاثیر پذیری از ادبیات غرب شعر سرودند و فعالیت ادبی داشتند که مجموعه این فعالیتها در زمان هجرت، ((ادبیات مهجر)) نامیده شد. در آغاز، آثار رمانتیک این شاعران بیشتر تقلید از آثار اروپایی بوده ولی با گذشت زمان بانو آوریهای آنان به اوج شکوفایی و زیبایی ادبی رسید.

برجستگی های رمانتیکی در سروده های سیاب

۱- نوآوری و ایجاد تغییر در ساختار و مضمون شعر

رمانتیسیم جنبشی بود که تمام ساختارهای ادبی پیش از خود، از جمله شعر کلاسیک را دگرگون کرد. رمانتیکها، به جای استفاده از زبان شعر منظم و یکنواختی که کلاسیک ها، مدافع آن بودند، ترجیح می دهند تا اشعاری بساریند که به لحاظ آهنگ و مضمون شبیه به نثر است. این رویکرد به رهایی از سنتها، تا بدان جا است که ویکتور هوگو، رمانتیسیم را «آزادی خواهی در هنر» می داند (رضا سید حسینی، ۱۳۵۹ ه. ش، ص، ۹) سیاب به عنوان نخستین شاعر متجدد عرب، چه از نظر وزن شعری و چه از نظر واژگان شعر و درونمایه، تغییرات شگرفی را در شعر عربی به وجود آورد. وی دایره لغوی زبان شعر و خانواده کلمات را تا حد چشم گیری دگرگون کرد و از این رهگذر می بینیم که زبان شعری سیات، متحرک، باز و متنوع است. کاری که وی در شعر عربی در سال های پی از جنگ جهانی دوم کرده است بی شباهت به کار نیمایوشیچ در شعر فارسی نیست.

در دیوان او، واژگان معنایی فراتر از معنای ظاهری دارد. برای نمونه «نخلستان» در شعروی، سمبلی برای (عراق) است و سحرگاه زمان انتظار و فرا رسیدن پیروزی است. به این سروده نگاه کنید که چگونه عشق و وطن در هم می آمیزد و محبوب شاعر و وطن او با هم یکی می شوند.

عَيْنَاكَ غَابَتَا نَخِيلِ سَاعَةَ السَّحْرِ
 أَوْشُرَقَتَانِ رَاحَ يِنَايَ عَنْهَا الْقَمَرُ
 عَيْنَاكَ حِينَ تَبْسَمَانِ تُورِقُ الْكُرُومُ
 وَتَرْقُصُ الْأَضْوَاءُ كَالْأَقْمَارِ فِي نَهْرِ

يَرْجَهُ الْمَجْدَافُ وَهَنَّا سَاعَةَ السَّحْرِ* (دیوان بدرشاگر السیاب، ۱۹۷۱م. ص ۴۷۴)
 از مهمترین واژگان سمبلیک سروده های وی می توان به مطر (باران)، تموز (خدای حاصلخیزی)، عشتار (الهه عشق)، مدینه (شهر)، بویب (رودخانه) اشاره نمود. به رغم وجود مبالغه و تشبیهات شگفت آور در شعراو، با این وجود شعر سیاب مبهم نیست و یکپارچگی و وحدت موضوع در آن به روشنی آشکار است.

۲- توجه به طبیعت

رمانتیسیم که جهان را کلیتی واحد می داند و به وجود سلسله مراتب هستی، اجتماعی و اعتقادی ندارد، بازگشت به روستا و طبیعت رانشانی از بازگشت به «پاکی» و درمانی برای درد «تنهایی» می داند و به همین جهت است که شاعر بزرگی چون وردز ورث در انگلستان به شاعر «طبیعت» مشهور است. به همین لحاظ، یاد آوری طبیعت در شعر و نثر حتی در نقاشی رمانتیک، کاملاً عادی و مرسوم است به ویژه

۱- ترجمه: چشمان تو به نخلستانی می ماند در سحرگاه، یا چون آخرین شعاعهای مهتاب بر فراز دیوار، با تبسم چشمان تو، تاکستان، به برگ می نشیند و مانند عکس ماه در آب نهر، آن گاه که با پاروی قایقرانان به آرامی در سحرگاه به چنین شکن می افتد.

در مواقعی که طبیعت، با حالات و وضعیت روحی و ذهنی آفریننده اثر ادبی، شباهت و همخوانی داشته باشد. (لیلیان فورست، ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۵۳)

ناگفته نماند، طبیعتی که در آثار رمانتیکها، دیده می‌شود، صرفاً طبیعت منطبق بر واقع نیست زیرا آنان با بهره بردن از ذهن گرایبی و تخیل خلاق خود، گاهی با طبیعت جدیدی که اصلاً وجود خارجی ندارد، همراز میشوند.

سیاب نیز در شعر خود از «تنهایی» و «ناامیدی» به طبیعت پناه برده است زیرا مادر خود را زود هنگام از دست داد و از پدر نیز جدا شد. مجموعه این حوادث سبب گشت تا او در سروده هایش برای گریز از این تنهایی و ناامیدی، نام روستای محل تولد خود، «جیکور» را به عنوان سمبل برای بهشت گمشده یا جهانی یاد کند که با وجود رنج‌ها در انتظار روشنی و سرسبزی و صبح است.

جیکورُ ستولکُ جیکورُ

النورُ سیورقُ و النورُ

جیکورُ ستولکُ من جرحی

من غصه موتی. من ناری.

سینفیض الیدرُ بالقمح

الجزنُ سینضحکُ للصبح^x (دیوان. ص ۴۱)

۳- عشق ورزیدن

معشوق در نزد شاعر رمانتیک، موجودی است که هیچگاه از ذهن او، محو نمی‌شود و برای درمان دردهای خود به او پناه می‌برد. خلاف پنداری که عشق

۱- جیکور- جیکور متولد خواهد شد. شکوفه و روشنی به برگ خواهد نشست. جیکور از زخم من، مرگ من، از آتش متولد خواهد گشت. خرمنگاه با گندم انباشته خواهد شد و اندوه به صبح لبخند خواهد زد.

رمانتیسزم را آمیخته با خوشی می‌داند. این عشق سراسر محنت و رنج است و دمی شاعر را رها نمی‌کند.

دلبری دلبران در شعر سیاب، یکی از نمونه های آشکار رمانتیسزم است که مورد توجه همه منتقدان و تحلیل‌گران شعر وی قرار گرفته است. او در دوره جوانی با تصورات آرمانی معشوقه‌هایی روبه رو بود، معشوقه‌هایی که او وجود واقعی آنان رامی دید ولی با ایشان ارتباطی نداشت و به همین جهت با احساس و تخیل خود به آنان مهر ورزید.

گذشته از اشعار اندک سیاب که در وصف زنان است، عنصر عشق در سایر سروده‌های وی فرآیندی تخیلی و احساسی دارد و بر این اساس، منتقدان بیشتر سروده‌های عاشقانه وی را در جایگاه اسطوره‌ای نشانده اند. به این سروده بنگرید:

أَتَدْرِينَ عَن رَبَّةِ الرَّاعِيَاتِ؟ عَنِ الرَّيْفِ؟ عَمَّا يَكُونُ الْجَوِي؟
هُوَ الرَّيْفُ؟ هَلْ تُبْصِرِينَ النَّخِيلَ وَهَلْ تَسْمَعِينَ أَعْيَانَهُ؟ هَلْ تَسْمَعِينَ؟
سَلَى الْجَذَعِ كَيْفَ التَّصَاقُ الصُّدُورِ بِهَزْأَتِهَا وَابْتِعَادِ الشَّفَاهِ؟
أَشْأَهْدُ يَا غَابَ رَقْصِ الضِّيَاءِ عَلَي قَطْرَةٍ بَيْنَ أَهْدَابِهَا^(همان، ص ۲۷)

۴- اسطوره‌پردازی و نمادگرایی

ادبیات با نمادگرایی، پیوند همیشگی دارد به گونه‌ای که از دیرباز نمادگرایی از ارکان مهم ادبیات بوده است. نمادی که از سوی هنرمند به کار می‌رود چه بسا که

۱- ترجمه: آیا از دخترک چوپان هیچ می‌دانی؟ از روستا؟ از آنچه که سوز عشق است هیچ می‌دانی؟ آن روستاست، آیا نخلستان را می‌بینی؟ این آوازه‌های آن است آیا می‌شنوی؟ از تنه درخت دریاچه چسبیدن سینه‌های لرزان و دور شدن لبها از یکدیگر پرس! ای جنگل! آیا رقص نور را بر قطره اشک میان پلکهایش دیده‌ای؟

بتواند رازی نهفته در ژرفای روح او را بگشاید و ما را به درون و ضمیر ناخودآگاه او راهنمایی کند.

استفاده از واژگان نمادین، در راستای واداشتن مخاطب به تفکر برای دستیابی به معنا و محتوای اثر ادبی و رعایت اصل کوتاه‌گویی (ایجاز) در آثار ادبی به ویژه شعر است. به طوریکه می‌توان نمادها را به دو گروه نمادهای عام و نمادهای خاص تقسیم کرد. مقصود از نمادهای عام، آن دسته نمادهایی است که عموماً در فرهنگ هر جامعه‌ای وجود دارد و معنای آن برای مردم آن فرهنگ شناخته شده است مانند آب و آینه که در فرهنگ نماد پاکی و صداقت است. و دسته دوم از نمادها، اختصاصی است یعنی فقط نزد یک شاعر معنای ویژه‌ای دارد.

شاعر رمانتیک برای واداشتن مخاطبان به تفکر، معانی و تصورات خود را در شعر در قالب استفاده از نماد بیان می‌دارند. به همین جهت است که بهره‌گیری از اساطیر، که حامل بار معنایی فراوانی می‌باشند، در استعار رمانتیک پر رنگ است. اسطوره (myth) در لغت به معنی افسانه و قصه است. واژه فرنگی آن از کلمه یونانی Mthos گرفته شده است. در کاربرد امروزی، اسطوره قصه‌ای است که ظاهراً منشاء تاریخی نامعلوم دارد (سیما داد، ص ۳۴). در زبان عربی، ریشه کلمه اسطوره «سطر» به معنای «الخط والکتابه» است که مانند معادل غربی آن، بی ارتباط با الفاظ و گفتار نیست.

این اصطلاح چه در غرب و چه در شرق ابتدا به مفهوم داستان‌های غیر واقعی و افسانه‌های بی اساس به کار رفته است.

آنگونه که در قرآن نیز همین مفهوم از اسطوره داده شده است، «إن هذا إلاّ أساطیرُ الأولین» (قرآن، المومنون، آیه ۸۳)

جرجی والی (george whalley) از جمله کسانی است که بی اصل و اساس بودن اسطوره را انکار کرده و در بررسی اساطیر اقوام مختلف به رابطه اسطوره و «حقیقت» پی برده و می گوید:

«اسطوره بیانی مستقیم و فلسفی است که ورای علم است، اسطوره در ساختار و شمایل یک «نماد» برشی از واقعیت را نشان می دهد. اسطوره بیانی منسجم از هستی بشری است و می خواهد واقعیت را با ساختاری راستین بنمایاند تا تنها با یک اشاره، پیوندهای اساسی و نمایی که واقعیت را برای بشر فراهم می آورند، نشان دهد. اسطوره راهی نادرست و بیراهه به جاده حقیقت نیست بلکه تنها راه آن است.» (گورین، ویلفرد، ال، ۱۳۷۰، ص ۱۷۳).

امروزه اسطوره شناسی، مقوله ای منحصرآدبی و زبان شناختی نیست. بلکه حوزه ای است که پژوهشگران دوران ما از دیدگاه های علوم اجتماعی و انسانی نیز به آن می نگرند ولی در جنبه ادبی آن، اسطوره داستان های کهن یا نمادهایی است که زمانی در نزد اقوام باستانی، حقیقت تلقی می شده است. بر پایه این تفسیر «اسطوره» زمانی «تاریخ» بوده است ولی امروزه، از آن جهت که حقیقی بودن آنها، منتفی شده است، جنبه داستانی، به خود گرفته است (جلال ستاری، ۱۳۷۶ هـ. ش، ص ۷). این داستان های اسطوره ای، بیشتر به توضیح، تفسیر و شرح اعمال خارق العاده می پردازد و از خدایان، فرشتگان و سایر موجودات فوق طبیعی سخن می گوید. آنچه که بیش از واقعی یا غیر واقعی بودن این داستان ها اهمیت دارد، مفهومی است که این داستان ها برای معتقدان به آنها، در بردارد. شاعری که در سروده خود، کوشش می کند تا جهان برتری را بیافریند و به کمک آن به سرشت اولیه اش بازگردد. از اسطوره می تواند به عنوان منبعی برای الهام شاعرانه و نیرویی برای تصویر جهان دلخواه خود، بهره برداری کند. (نجمه رجایی، ۱۳۸۱ هـ. ش، ص ۲۳۳)

بهره‌گیری از اسطوره در شعر نوعربی، به گونه‌ای نشانه‌تأثیر آثار رمانتیکی غربی بر ادبیات است. از میان آنها، می‌توان به کتاب «شاخه طلایی» (The golden bough) اثر جیمز فریزر اشاره نمود که بیشترین تأثیر را بر شعر معاصر عربی داشته است. از میان اسطوره‌های این کتاب، اسطوره تموز (ادونیس) که سمبل قربانی و فدا و حاصلخیزی و زندگی است، نزد شاعران پیشگام اسطوره مورد توجه قرار گرفته است (محمد رضا شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹ ه. ش، ص ۱۴۳)

شاعران اسطوره‌پرداز به ویژه سیّاب، بیشترین تمرکز را بر این اسطوره داشته‌اند. زیرا می‌دیدند که سرنوشت ملت خود بلکه جهان عرب به سوی تباهی است و جز با قربانی شدن، تغییر نمی‌یابد.

به این مقطع از قصیده «باران» بنگرید که سیّاب در آن از ادونیس، خدای حاصلخیزی و بالندگی اینگونه می‌گوید:

أهدا ادونیسُ. هذا الخواء

و هذا الشحوب و هذا الجفاف؟

أهدا ادونیس؟ أين الضياء؟

و أين القطاف؟

مناجلُ لا تحصد.

أزاهرُ لا تعقد.

مزارعُ سوداءُ من غير ماء

أهدا صراخ الرجولة؟

أهدا أئین النساء؟

ادونیس! یا لاندحار البطولة؟

لقد حطّم الموتُ فیک الرجاء

وأقبلت بالنظرة الزائغة

وبالقبضة الفارغة.^x

سیاب، افزون بر بهره‌گیری از اسطوره‌ها، با هنرمندی هر چه تمام‌تر در ساختار آنها نیز تغییراتی ایجاد نموده است و گاه با نمادسازی در سروده‌هایش، سرآمدی خود در شعرسرایي را نسبت به بسیاری از شاعران نوپرداز عرب، برهمگان ثابت کرده است. برای نمونه «جیکور» نام روستای محل تولد خود را بارها در شعرش آورده است. به گونه‌ای که در شعر او، این نام، تبلور همه خوبیها، حاصلخیزی و عشق شده است و در برابر آن، مدینه (شهر) سمبلی برای دل‌تنگی، غم و گنجه‌کاری، مورد استفاده قرار گرفته است:

و تَلْتَفُ حَوْلِي دُرُوبُ الْمَدِينَةِ
 حَبَالًا مِنَ الطِّينِ يَمْضُغْنَ قَلْبِي
 وَ يُعْطِينَ. عَن جَمْرَةٍ فِيهِ طِينُهُ
 حَبَالًا مِنَ النَّارِ يَجْلُدَنَّ عُرَى الْحَقُولِ الْحَزِينَةِ
 وَ يَحْرِقَنَّ جِيكُورَ فِي قَاعِ رُوحِي
 وَيَزْرَعَنَّ فِيهَا رَمَادَ الضَّغِينَةِ^أ (دیوان، ج اول، ص ۴۱۴)

۱- ترجمه: آیا این ادونیس است؟ با این گرسنگی؟-با این رنگ پریدگی و این خشکی؟ آیا این ادونیس است؟ پس روشنی‌اش کجاست؟ موسم حاصلش چه وقت فرا می‌رسد؟ داسهایی که درونمی‌کند-غنچه‌هایی که نمی‌شکند- کشت زارهای سیاه بی‌آب-آیا این، حاصل سالهای دراز انتظار است؟ آیا این، حاصل فریاد مردان است؟ و نتیجه ناله زنان؟ هان ادونیس! افسوس بر شکست قهرمانی- مرگ، امید به تو را در هم شکسته که بازگشته‌ای و از گوشه چشم می‌نگری، با دستی خالی بازگشته‌ای.

۱- ترجمه: جاده‌ها و راههای شهر، پیرامون من، ریسمان‌های گلی می‌پیچید که قلبم را می‌جود و گل آن را بر آتش می‌نهد.

ریسمان‌هایی از آتش که برهنگی کشت زارهای غمگین را تازیانه می‌زند و جیکور را در اعماق روح من به آتش می‌کشد و در آن خاکستر کین می‌کارد.

از مهمترین واژگان سمبلیک در سروده های وی، که دارای بار معنایی اسطوره‌ای می‌باشند، می‌توان به ماء (آب)، مَطَر (باران)، تموز (خدای حاصلخیزی)، عشتار (الهة عشق)، مدینه (شهر)، بویب (رودخانه) اشاره نمود.

۵- یادآوری دوران کودکی و زندگی در روستا

انسان دوران صنعتی به رغم آمدن از روستا به شهرهای بزرگ و در پی آن ازدست دادن پاکی و رو آوردن به گناه و فریب دادن دیگران، همچنان گوش به ندای فطرت خود دارد و در آرزوی پاکی و بی‌آلایش دوران کودکی یا بازگشت به زندگی در روستا و فرار از «تنهایی» است.

براین پایه، رمانتیک‌ها، بارعایت اصل بازگشت به فطرت، در آثار خود به انسان‌های عادی و کودکان توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند. آنان معتقدند که کودکان بیش از دیگران به طبیعت نزدیک است و هنوز دچار فساد نشده است و به این جهت زبان پاک طبیعت را به خوبی درک می‌کند. سیاب در کودکی به دلیل مرگ زودرس مادرش، از درک عشق به مادر، محروم شد. او در تمام دوران زندگی‌اش، این کمبود را احساس می‌کند، احساسی که در روان سخت بیماری، در او شدت یافت. به همین دلیل، در بیشتر قصیده‌های او عشق به مادر و یاد دوران کودکی، آشکار است.

هِيَ رُوحُ أُمِّي هَزَّهَا الْحُبُّ الْعَمِيقُ حُبُّ الْأُمُومِ هِيَ تَبْكِي
أَهْ يَا وَلَدِي الْبَعِيدُ عَنِ الدِّيَارِ وَيَلَا! كَيْفَ تَعُودُ. وَحَدَاكَ لِأَدْلِيلٍ وَلَا رَفِيقٍ^x

(دیوان، ج اول، ص ۶۱۶)

۱- ترجمه: آن، روح مادرم است که عشق عمیقش (به من) آن را به تکاپو واداشته است. عشق مادرانه او را واداشته است تا گریان بگوید که: «ای فرزند غریب! چگونه بدون راهنما و دوست، تنهایی به وطن باز می‌گردد»

از آنچه گذشت می‌توان لطافت و زیبایی حاصل از نشانه‌های رمانتیکی و اسطوره‌ای را در سروده‌های سیاب به عنوان یکی از شاعران سرآمد ادب معاصر عربی به خوبی احساس نمود.

وی، در سروده‌های خود که نمونه‌هایی از آن را از نظر گذرانندیم، توانسته است افزون بر تجدیدنظر در مبانی عروض و ایجاد زبانی متحرک، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنایی اسطوره و الهام‌های رمانتیکی، اشعار زنده، دلنشین و متناسب با روح زمان را از خود به جا گذارد.

منابع و مآخذ

- ۱- الیوت. تی. اس. (۱۳۷۵ هـ. ش). **برگزیده آزاددر قلمرو نقد ادبی**. ترجمه سید محمد دامادی. تهران: انتشارات علمی.
- ۲- بیضون، حیدر توفیق. (۱۹۹۱ م). **بدر شاکر السیاب**. رائد الشعر العربی الحدیث. بیروت: دارالکتب العملیة.
- ۳- توفیق، حسن. **شعر بدر شاکر السیاب** (دراسة فنیة وفکریة) (د.ت). بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
- ۴- جعفری جزی، مسعود. (۱۳۷۸ هـ). **سیر رمانتیسیم در اروپا**. تهران: نشر مرکز.
- ۵- الجنابی، قیس کاظم. (۱۹۸۸ م). **مواقف فی شعر السیاب**. بغداد: الحانی.
- ۶- ستاری، جلال. (۱۳۷۶ هـ. ش). **اسطوره در جهان امروز**. تهران: نشر مرکز.
- ۷- السیاب. دیوان (۲ جلد) ۱۹۷۱ م. بیروت: دارالعودة.
- ۸- سید حسینی، رضا. (۱۳۶۶ هـ. ش). **مکتبهای ادبی**. تهران: نیل و نگاه.
- ۹- شفیع کدکنی، محمد رضا. (۱۳۵۹ هـ. ش). **شعر معاصر عرب**. تهران: توس.
- ۱۰- داد، سیما. (۱۳۸۲ هـ. ش). **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. تهران: انتشارات مروارید.
- ۱۱- رجایی، نجمه. (۱۳۸۱ هـ. ش). **اسطوره‌های رهایی**. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۲- ریتا، عوض. (۱۹۷۸ م). **بدر شاکر السیاب**. بغداد: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.

۱۳- فرای، نورترپ. (۱۳۶۳ ه.ش). **تخیل فرهیخته**. ترجمه سعیداریاب شیرانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۴- طبانه، بدوی. (۱۹۸۵). **التيارات المعاصرة في النقد الادبي**. دارالثقافه.

۱۵- فورست، لیلیان. (۱۳۷۵ ه.ش). **رمانتیسیم**. ترجمه مسعود جعفری. تهران: نشر مرکز.

۱۶- گورین، ویلفرد. ال و دیگران. (۱۳۷۰ ه.ش). **راهنمای رویکردهای نقد ادبی**. ترجمه زهرا میهنخواه. تهران: انتشارات اطلاعات.

۱۷- وان تیژم، فیلیپ. (۱۳۷۰ ه.ش). **رمانتیسیم در فرانسه**. ترجمه علامعلی سیار. تهران: انتشارات بزرگمهر.